هشت

۴صفحه | ضمیمه نوجوان روزنامه قدس | شماره ۴۷۸

www.qudsonline.ir

یکشنبه ۲۶ شهریور ۱۳۹۶ | ۲۶ ذی‌الحجه ۱۴۳۸ | ۱۷ سپتامبر ۲۰۱۷

ایرانی‌ها چهار برابر مردم جهان از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند
همیشه آنلاین...! ۲

کلیله و دمنه به زبان خودمانی ۱۹
چاه و حیوانات و جهانگرد ۲و۳

به نام نقش‌بند صفحه خاک
تابستان کتاب‌خوانی من...! ۴

۴

کسب‌وکار خانگی با ساخت زیورآلات رزینی

اگه زمین خوردی نترس...!

فاطمه نیک | «نسیبه ایمانی» صاحب برند «آرتین» ۳۲ سال دارد و کارشناسی گرافیک خوانده است. می‌توان گفت در کار از آن باتجربه‌هاست، چون هفت سال است که در زمینه تولید صنایع‌دستی کار می‌کند و از کار در اتاق خودش به یک کارگاه و سه همکار رسیده است. نسیبه سه سال است که به صورت تخصصی روی زیورآلات رزینی کار می‌کند. هنری که این روزها جایش را بین دخترخانم‌ها و حتی آقاپسرها باز کرده و طرفداران خودش را دارد. با نسیبه در مورد این هنر و فعالیتش در زمینه صنایع‌دستی گپ زده‌ایم. تو هم اگر دوست داری بیشتر از فوت‌وفن کار بدانی، در این گفت‌وگو با ما همراه شو.

در ابتدای گفت‌وگو نسیبه خیلی زود می‌رود سر اصل مطلب و از چیزی که این روزها خیلی دوستش دارد و روزهایش را با آن می‌گذراند یعنی رزین و نحوه آشنایی‌اش با این هنر می‌گوید: «اولین‌بار نمونه‌های این هنر را روی میز یکی از دوستانم در نمایشگاه فروش صنایع‌دستی دیدم و برایم خیلی جذاب بود. به‌خصوص که در همان نگاه اول با خودم فکر کردم خیلی کارهای زیبای دیگری با این ماده می‌توان درست کرد و به قول خودمان حس کردم که این مواد اولیه منظورم رزین جای کار زیادی دارد

۱ تجربه کن، یاد بگیر...!

در ابتدای گفت‌وگو نسیبه خیلی زود می‌رود سر اصل مطلب و از چیزی که این روزها خیلی دوستش دارد و روزهایش را با آن می‌گذراند یعنی رزین و نحوه آشنایی‌اش با این هنر می‌گوید: «اولین‌بار نمونه‌های این هنر را روی میز یکی از دوستانم در نمایشگاه فروش صنایع‌دستی دیدم و برایم خیلی جذاب بود. به‌خصوص که در همان نگاه اول با خودم فکر کردم خیلی کارهای زیبای دیگری با این ماده می‌توان درست کرد و به قول خودمان حس کردم که این مواد اولیه منظورم رزین جای کار زیادی دارد. دوستم توضیحی در مورد روش کار و تولیدش به من نداد، ولی از آن‌جایی که این هنر خیلی چشمم را گرفته بود و حسابی به آن و این ماده علاقه‌مند شده بودم خودم تحقیق درباره‌اش را شروع کردم. خاطرم هست آن موقع در مشهد موادش شناخته‌شده نبود و به‌سختی مواد درجه۳ را می‌شد پیدا کرد. به همین خاطر در ابتدا خروجی لازم و چیزی را که دنبالش بودم نتوانستم بگیرم. چند ماه طول کشید تا بتوانم مواد را از تهران تهیه کنم. راستش در اولین گام‌ها در کارم خیلی خسارت دیدم، چون چندان وارد نبودم. خوب است بدانید که رزین ماده حساسی است و با کمی تغییر در اندازه‌ها ممکن است کار اصلاً خودش را نگیرد و خشک نشود. با تجربه و آزمون و خطا به‌مرور خسارت‌هایم کمتر شد و به‌اصطلاح کار دستم آمد و تجربه لازم را پیدا کردم.»

۲ درس خواندن به دردت می‌خوره

همان‌طور که گفتیم نسیبه در دانشگاه گرافیک خوانده و ظاهراً از درسی که خوانده حسابی راضی است، چون معتقد است که در کار حسابی به دردش خورده و باعث رشدش شده است. او این‌گونه توضیح می‌دهد: «زود در کارم رشد کردم، چون درس خواندن در رشته هنر و به‌خصوص گرافیک کمکم می‌کرد که کارهایم از بقیه تولیدکننده‌ها خاص‌تر و تمیزتر باشد. با شرکت در نمایشگاه‌های مختلف و گالری‌های مختلف در مشهد و با راه‌اندازی اینستاگرام و کانال و... در شهرهای مختلف توانستم فروش خوبی پیدا کنم و به کارم توسعه بدهم. تحصیل در رشته هنر به من خیلی کمک کرد تا بتوانم مدام ایده‌های جدید داشته باشم و آن ایده‌ها را به کارهایم اضافه کنم.»

۳ علاقه‌ات را حرفه‌ای دنبال کن

از نسیبه می‌پرسم که چطور شد تصمیم گرفت این هنر را به عنوان شغل ادامه بدهد و او در جوابم می‌گوید: «اوایل کارم چون هنر جدیدی بود و مواد و نوع کارش برای مردم تازگی داشت، برای مخاطب جذاب بود. بالا رفتن فروش کار و اضافه کردن مداوم طرح‌های جدید به کارهایم انرژی و شور و شوق زیادی می‌داد. وقتی دیدم استقبال خوب است تصمیم گرفتم که جدی‌تر به این هنر توجه کنم و خیلی حرفه‌ای ادامه‌اش بدهم.» او درباره سروسامان دادن به کارش به شکل حرفه‌ای در ادامه توضیح می‌دهد: «در گام اول کیفیت کارم را بالا بردم و در مرحله بعد روی تیراژ و نحوه بالا بردن تولید کار کردم و در نهایت هم سعی کردم قیمت تولیدات را آن‌قدر پایین در نظر بگیرم که هم خرید جزئی و هم خرید کلی برای مردم و همکاران گالری‌دار راحت باشد و با برندهای پرتیراژ تهران قابل رقابت باشد.»

۴ صبر و حوصله مهم‌تر از آموزش

نسیبه تا یک سال پیش در قسمتی از منزل خودش کار می‌کرده است، ولی بعد که حجم سفارشاتش خیلی زیاد شده کارگاه کوچکی راه انداخته تا بتواند با حجم بیشتری محصول تولید کند. او در حال حاضر به همراه سه نفر از همکارانش که همگی خانم هستند در کارگاه مشغول به کار هستند. نسیبه می‌گوید حالا آن‌ها مثل چهارتا دوست هستند که کنار هم کاری را انجام می‌دهند که دوستش دارند. از او درباره آموزش این هنر و ابزارهای مورد نیازش می‌پرسم و او خیلی راحت می‌گوید که: «آموزش لازم را در حال حاضر راحت می‌شود از اینترنت و صفحه‌های آموزشی این کار پیدا کرد. حتی فروشندگان مواد اولیه کار هم آموزش لازم را به مشتری‌هایشان می‌دهند. آن چیزی که این کار بیشتر از هر چیز لازم دارد صبر و حوصله بالاست تا با کسب تجربه به نتیجه نهایی کار برسند.» او در ادامه در مورد تهیه مواد اولیه و ابزار کار می‌گوید: «مواد اولیه کار در مشهد هم وجود دارد، ولی من چون به مقدار زیاد نیاز دارم از تهران تهیه می‌کنم که کمی ارزان‌تر و در عین حال باکیفیت‌تر است.»

۸ از ریسک کردن نترس

نسیبه درباره تجربه فروش محصولاتش از ابتدا تا الان می‌گوید: «اولین کارم چندتا انگشتر و گردنبند بود که داخل فلزش نقاشی کرده بودم و داخل آن رزین ریخته بودم. یادم هست وقتی آن‌ها را در نمایشگاه برای ارائه گذاشتم خیلی زود فروش رفت و همین مسئله انرژی خوبی برای من به همراه داشت. آن زمان حدود ۱۰۰ تومانی فروختم و چون قبلاً مشغول به کار بودم و کارهای ویترای و نقاشی روی چوبم فروش داشت امکان هزینه کردن بیشتر را داشتم. در مجموع امکان ریسک کردن هم همیشه در وجودم هست. یادم هست همان موقع حدود سه یا چهار برابر آن مبلغ را لوازم خریدم و کار را شروع کردم. راستش من شعاری در کار برای خودم دارم که همیشه می‌گویم: «از خودش برای خودش». اوایل هرچقدر می‌فروختم خرج خرید لوازم کار همان کار می‌کردم تا به جایی می‌رسید که دیگر سوددهی لازم را برایم داشت. مشتری‌هایم را با شرکت کردن در نمایشگاه‌های سطح شهر پیدا کردم؛ البته فضای مجازی هم رفته‌رفته به پیشرفت کارم کمک کرد. من بیشتر کارهایم را خودم طراحی می‌کنم. کار اگر کیفیت بالا و قیمت مناسبی داشته باشد زود بین مخاطبش جا باز می‌کند. من همیشه دفعات اول به فروشگاه‌ها محصولات را به صورت امانی می‌دهم و به آن‌ها اطمینان می‌دهم که اگر فروش نرفت می‌توانند کار را برگردانند یا تعویض کنند و از این موضوع نتیجه خوبی هم گرفته‌ام.»

۶ برای کارت وقت بگذار

نسیبه تصویرساز هم هست و کنار این کار، گاهی سرگرم تصویرسازی کتاب کودک و بزرگسال هم می‌شود. درباره وقت گذاشتن برای این کارش می‌گوید: «خیلی برای کارم وقت می‌گذارم. حتی زمان‌هایی که دست‌هایم مشغول کشیدن طرح نیستند، ذهنم مشغول زدن طرح‌های جدید است.» او می‌خندد و می‌گوید: «راستش استراحتم کم است، اما آن‌قدر به کارم علاقه دارم و از انجام دادنش لذت می‌برم که خستگی را احساس نمی‌کنم.» او با این انرژی‌ای که دارد خیلی جدی به فکر توسعه کارش است و در این‌باره می‌گوید: «چون توان تولید کارگاه‌مان بالا رفته است با چندتا شرکت بزرگ وارد مذاکره شده‌ام. به‌تازگی ایده جدیدی برای تولید محصولی تازه دارم و می‌خواهم آن را کنار کارهای گذشته پرورش بدهم. راستش به خاطر این ایده جدید سراغ آموزش هنرهای دیگر هم رفته‌ام. متأسفانه من هنوز موفق نشده‌ام که برندم را ثبت کنم و ثبت برند از برنامه‌های اصلی‌ام است. بازار کار فرازوفرودهای زیادی دارد و متأسفانه اقلام مشابه چینی هم در بازار زیاد است. خیلی از فروشگاه‌ها متأسفانه برای داشتن سود بیشتر کارهای چینی را جایگزین تولیدات دستی کرده‌اند و این جای تأسف دارد.»

۷ آرام و قرار نداشته باش

نسیبه مهم‌ترین ویژگی‌ای را که در کار و موفقیت امروز کمکش کرده، پشتکار می‌داند و درباره‌اش می‌گوید: «وقتی کاری را شروع می‌کنم تا آن را به نتیجه نرسانم آرام نمی‌گیرم؛ البته ریسک‌پذیری بالایی هم دارم. ما نباید از تجربه کردن کارهای جدید بترسیم. تحقیق و بررسی کامل لازمه کار است، ولی به‌اصطلاح نباید از زمین خوردن بترسیم. پشتیبانی پدر و مادرم و همسرم کمک بزرگی برای پیشرفت در کارم بود. هم در فروش نمایشگاهی و هم در تولید همیشه مشوقم بودند و در تصمیم‌گیری‌های بزرگ از مشورت کردن با آن‌ها نتایج خوبی گرفتم. خوب است که همیشه اطرافتان کسانی را داشته باشید که بتوانید اندیشه‌ها و ایده‌هایتان را برایشان بیان کنید و از آن‌ها مشورت بگیرید.»

نسیبه درباره تجربه فروش محصولاتش از ابتدا تا الان می‌گوید: «اولین کارم چندتا انگشتر و گردنبند بود که داخل فلزش نقاشی کرده بودم و داخل آن رزین ریخته بودم. یادم هست وقتی آن‌ها را در نمایشگاه برای ارائه گذاشتم خیلی زود فروش رفت و همین مسئله انرژی خوبی برای من به همراه داشت. آن زمان حدود ۱۰۰ تومانی فروختم و چون قبلاً مشغول به کار بودم و کارهای ویترای و نقاشی روی چوبم فروش داشت امکان هزینه کردن بیشتر را داشتم. در مجموع امکان ریسک کردن هم همیشه در وجودم هست

نسیبه تا یک سال پیش در قسمتی از منزل خودش کار می‌کرده است، ولی بعد که حجم سفارشاتش خیلی زیاد شده کارگاه کوچکی راه انداخته تا بتواند با حجم بیشتری محصول تولید کند. او در حال حاضر به همراه سه نفر از همکارانش که همگی خانم هستند در کارگاه مشغول به کار هستند.

روی خط هشت

ایرانی‌ها چهار برابر مردم جهان از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند

همیشه آنلاین...!

الان ما در دوره و زمانه‌ای زندگی می‌کنیم که در آن اینترنت نقش مهمی در زندگی اجتماعی و همین‌طور حوزه‌های علمی و فنی دارد، به همین دلیل بیشتر کشورها در برنامه‌ریزی‌های توسعه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی‌شان جایگاه ویژه‌ای برای فناوری اطلاعات و ارتباطات قائل هستند.

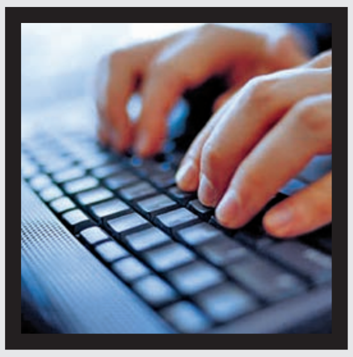

استفاده از فناوری ارتباطات و اطلاعات و در رأس آن اینترنت، باعث می‌شود آدم‌ها به هم نزدیک‌تر شوند. اینترنت فرصتی است که برای همه مردم جامعه با هر سبک زندگی‌ای در دسترس است، برای همین باعث کاهش فاصله طبقاتی شده و در فضای مجازی زندگی جدیدی را در اختیار کاربران قرار می‌دهد. آن‌طور که کارشناسان می‌گویند افزایش مشارکت اجتماعی، گذران اوقات فراغت و ورود مفاهیم جدید در زندگی روزمره، امکان برقراری سریع ارتباط، اطلاع از اخبار و رویدادهای جهانی، تبادل فرهنگی، دستیابی سریع به یافته‌های علمی جدید، کاهش هزینه‌های ارتباطی، آزادی در تبادل اطلاعات، افزایش میزان آگاهی عمومی از مزایا و کارکردهای قابل توجه گسترش استفاده از ارتباطات اینترنتی است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که تقریباً بیش از نصف کاربران اینترنت فقط مربوط به ۹ کشور جهان است. براساس گزارش اسپوتنیک کشورهای چین، آمریکا، ژاپن، هند، برزیل، آلمان، انگلستان، فرانسه و روسیه به ترتیب بیشترین کاربران اینترنت را دارند. در عین حال، چین با داشتن ۱۸/۷ درصد بیشترین کاربر را به خود اختصاص داده است و پس از آن آمریکا با ۱۴/۲ درصد و ژاپن با ۵/۹ درصد در رتبه‌های دوم و سوم قرار دارند. این در حالی است که هند، برزیل و آلمان هرکدام به ترتیب با داشتن ۵/۱ درصد و ۴/۲ درصد و ۳/۵ درصد مقام‌های بعدی را به خود اختصاص داده‌اند. بیشترین کاربران اینترنت بعد از این‌ها مربوط به سه کشور انگلیس با ۲/۷ درصد، فرانسه با ۲/۶ درصد و روسیه با ۲/۴ درصد است. کارشناسان می‌گویند مقدار استفاده از اینترنت با پیشرفته بودن کشورها در ارتباط است.

مردم دنیا چطور اینترنت‌شان را می‌خورند؟

براساس آمارهایی که در رسانه‌ها منتشر شده است ارتباطات اینترنتی متداول‌ترین فعالیت کاربران اینترنتی در بسیاری از کشورهاست و سایر فعالیت‌ها مانند دولت الکترونیک، بانکداری الکترونیک و کارهای تجاری، کمتر مد هستند. برای بسیاری از کاربران اینترنت در سنین مختلف، پرطرفدارترین فعالیت اینترنتی ارسال و دریافت پست الکترونیک یا همان ای‌میل زدن خودمان است. در کشورهایی مانند نیوزیلند و شیلی، بیش از ۹۰درصد از کاربران اینترنت از پست الکترونیک استفاده می‌کنند و در اروپا نیز میانگین این کاربرد بسیار بالا و بیشتر از ۸۸درصد است. یکی از فعالیت‌های پرطرفدار دیگر که در بیشتر کشورها انجام می‌شود کسب اطلاعات و دسترسی به اخبار از طریق اینترنت است. بیش از ۴۰درصد کاربران اینترنت در بسیاری از کشورها در مناطق مختلف از اینترنت برای این هدف استفاده می‌کنند. جالب است بدانید که استفاده از اینترنت برای اهداف تفریحی در کشورهای مختلف متفاوت است؛ مثلاً در کشورهای اروپایی و آمریکای لاتین حدود ۴۰درصد از کاربران اینترنت از آن برای بازی و دانلود بازی‌ها استفاده کرده‌اند، در امارات متحده عربی و جمهوری کره به ترتیب ۶۷ و ۶۵درصد از کاربران از اینترنت برای بازی و دانلود بازی‌ها استفاده می‌کنند. سرانجام این‌که خرید آن‌لاین و فعالیت‌های بانکی الکترونیک بیشتر به شهروندان کشورهای توسعه‌یافته محدود می‌شود؛ برای مثال در نیوزیلند، کانادا و اتحادیه اروپا بیشتر کاربران اینترنت از خدمات بانکداری اینترنتی استفاده می‌کنند، اما سطح این کاربرد در بیشتر کشورهای در حال توسعه بسیار پایین‌تر است.

ما با اینترنت چه‌کار می‌کنیم؟

بیش از ۸۰درصد از جمعیت جوان ایران با میانگین سنی ۱۵ تا ۲۴ سال از شبکه اینترنت استفاده می‌کنند. این در حالی است که میانگین استفاده از اینترنت در جمعیت جوان سایر کشورهای در حال توسعه دنیا ۶۷درصد است. به نظرتان این ۸۰درصد ساعاتشان را در فضای مجازی چطور می‌گذرانند و در واقع از اینترنت چه استفاده‌هایی می‌کنند؟ بعضی‌ها معتقد هستند که ما کاری به‌جز چت کردن در فضای مجازی نداریم و عده‌ای هم می‌گویند که کار ما فقط گشت‌وگذار در شبکه‌های مجازی است. یک نظرسنجی تازه نتایج جالبی از نوع استفاده ایرانیان از وب و اینترنت را نشان می‌دهد. آن‌طور که این نظرسنجی می‌گوید اگر گشت‌وگذار در شبکه‌های اجتماعی را یک‌جور وقت‌گذرانی بدانید، ما ایرانی‌ها بیشتر برای وقت‌گذرانی اینترنت را می‌خوریم و پول باباهایمان را به خاطرش دور می‌ریزیم. فعالیت مثبت دیگر ما از اینترنت آپلود و دانلود کردن است. بعد از آن ما ایرانی‌ها برای دسترسی به اطلاعات سراغ اینترنت می‌رویم که در این ماجرا یک تفاوت ۴۰درصدی با سایر مردم دنیا داریم؛ البته ما در استفاده از ای‌میل کمی عقب هستیم، اما با این‌همه شعار شهر الکترونیک و بانکداری الکترونیک استفاده از نت به خاطر کارهای بانکی و بعد از آن برای پیدا کردن شغل و سایر نیازهای روزانه‌مان واقعاً کم است. به نظر کارشناسان درست است که سرعت اینترنت ما در حد مورچه است، اما ما در حوزه دسترسی به اینترنت از خیلی از جاها جلو زده‌ایم و حیف است که فقط برای وقت‌گذرانی از این شبکه استفاده کنیم و به فکر سرعت دادن به سایر فعالیت‌های روزمره‌مان به کمک اینترنت نباشیم.

بسته‌هاشون نامحدوده؟!

خبرفوری

برزیلی‌ها از همه آن‌لاین‌ترند

حالا که حرف از استفاده از اینترنت شد خوب است بدانید که به گفته آمار جدید، برزیلی‌ها حدود چهار ساعت و چهل‌وهشت دقیقه با گوشی‌های هوشمندشان آن‌لاین هستند. ظاهراً آن‌ها از سال ۲۰۱۲ در این موضوع رکورد داشته‌اند. بعد از برزیلی‌ها بیشترین آمار برای چینی‌ها و آمریکایی‌هاست.

فکر کن چه چیزهایی مد بشه؟!

خبر فوری

کارت عروسی گلدانی

جوان گلکاری که ظاهراً حسابی هم خوش‌فکر و خلاق بوده به جای این‌که برای کارت عروسی‌اش کلی کاغذ استفاده کند و بعد هم مردم بریزند دور! متن کارت عروسی‌اش را روی گلدان‌هایی با گیاهان سبز چاپ کرده است. برای همین، عکس کار خلاقانه‌اش در فضای مجازی دست‌به‌دست می‌شود و همه تشویقش می‌کنند که چه فکربکری کرده است. شما هم می‌توانید از خلاقیت این جوان ایده بگیرید، ولی به این فکر نباشید که مشق‌هایتان را روی گلدان بنویسید، چون ممکن است عواقب خوبی برایتان نداشته باشد.

۱

اندازه کنید!

یک ترفند ساده ولی بسیار مهم در خوش‌تیپ شدن، اندازه بودن سایز لباسی است که خریداری می‌کنید. اشتباه نکنید، منظورمان از اندازه بودن، تنگ و چسب بودنش نیست بلکه موضوع اندازه بودن هم برای خودش اصولی دارد. این‌که اندازه آستینِ و ارتفاع پیراهن‌تان تا کجا باشد یا خط سرشانه دقیقاً کجا قرار بگیرد! به عکس زیر نگاه کنید تا دقیقاً متوجه منظورمان شوید.

به صورت کلی فرم پاهای آدم‌ها به سه دسته تقسیم می‌شود: دسته نخست کسانی هستند که انگشت شصت پای آن‌ها بزرگ‌تر است و بقیه انگشت‌ها به ترتیب کوچک می‌شوند؛ دسته دوم کسانی هستند که انگشت دوم و سوم پاهایشان بزرگ‌تر است و دسته سوم کسانی هستند که انگشت‌های یکسانی دارند و همه سرانگشتان به یک اندازه هستند

۲

بازی رنگ‌ها

بگذارید شما را با چرخه رنگ‌ها آشنا کنیم. چرخه‌ای که می‌تواند به شما حسابی در انتخاب رنگ لباس‌هایتان کمک کند؛ البته این چرخه که از رنگ‌های اصلی و ثانویه تشکیل شده است، تنها برای ست کردن لباس استفاده نمی‌شود و می‌توانید همین دستورالعمل را برای لوازم منزل، دکور مغازه و ... هم استفاده کنید.

در این چرخه بعضی رنگ‌ها گرم و برخی دیگر سرد هستند. رنگ‌های گرم به رنگ‌های قرمز، نارنجی و زرد متمایل‌اند. رنگ‌های سرد نیز به رنگ‌های آبی، سبز و بنفش گرایش دارند. ترکیب کردن رنگ‌های گرم با یکدیگر و رنگ‌های سرد با هم، روش خوبی برای ایجاد هماهنگی رنگی برای افراد مبتدی است. این کار کم‌کم به شما کمک می‌کند تا بیشتر با رنگ‌ها احساس راحتی کنید. هم‌چنین مشکی، سفید و خاکستری رنگ‌های خنثی هستند و می‌توانند در ست کردن لباس بسیار مفید باشند.

با افزودن رنگ سفید رنگ‌ها ملایم‌تر و روشن‌تر می‌شوند که اصطلاحاً به این حالت «ته‌رنگ» م
در مقابل با افزودن رنگ سیاه رنگ‌ها تیره‌تر یا سیرتر می‌شوند که به این حالت «سایه» رنگ می
در نهایت هم «تُن» رنگ که با افزودن رنگ خاکستری ایجاد می‌شود. برای ست کردن لباس
توجه داشت که ته‌رنگ، سایه و تن رنگ با همدیگر ترکیب خوبی بسازند.

بیخیال استفاده از رنگ‌های مکمل شوید. این رنگ‌ها در چرخه رنگ مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند
مثلاً بنفش و زرد. نگذارید نام مکمل این رنگ‌ها شما را فریب بدهد. این رنگ‌ها مکمل یکدیگرند، ولی برای ترکیب لباس شما مناسب نیستند.

رنگ‌های مشابه در چرخه رنگ دقیقاً کنار یکدیگر قرار دارند؛ مانند سبز و زرد یا قرمز و نارنجی، چون این رنگ‌ها به هم نزدیک‌اند، چشم‌نوازترند.

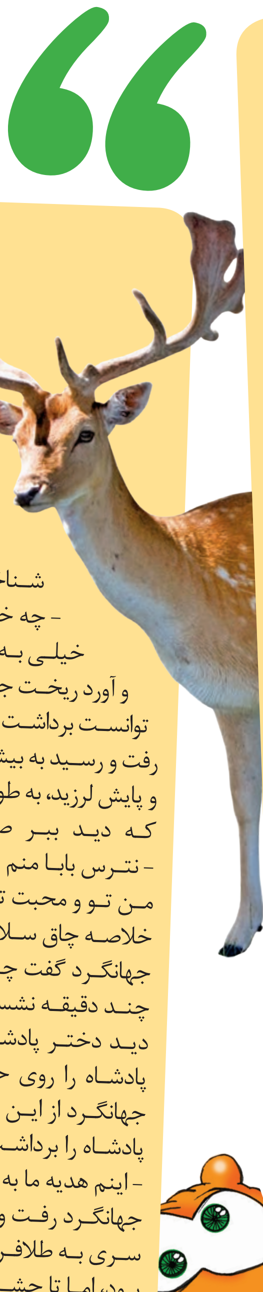

روزی در جنگل دورافتاده‌ای صیادان چاه بزرگی کنده بودند که مثلاً آهویی، گوزنی چیزی داخل آن بیفتد که بگیرند و بکشند و بخورند یا بفروشند، اما از آن‌جایی که قرار بود داستان زیبای ما در آن اتفاق بیفتد کلاً فراموش کردند که چنین چاهی را حفر کرده‌اند و روی آن را پوشانده‌اند. اول از همه ماری به چاه افتاد و هرچه تقلا کرد نتوانست بالا بیاید. بعد میمونی به چاه افتاد و بعد ببری و آخرسر مرد طلافروشی که دنبال معدن طلا می‌گشت به چاه افتاد. همه زخمی و درب و داغون. نه حوصله داشتند هم را بخورند و نه راهی برای فرار پیدا می‌کردند. از همه بیشتر طلافروش از بقیه می‌ترسید و با این حساب همه تلاش می‌کردند به‌گونه‌ای جانشان را نجات دهند.

یکی، دو روز بعد در حالی که ساکنان چاه داشتند از زنده بودن ناامید می‌شدند، جهانگردی از آن حوالی می‌گذشت و چشمش به چاه افتاد. رفت آب بردارد دید ای دل غافل، چاه برای خودش باغ‌وحشی است! از آن‌جایی که انسان بود و دلش برای همنوعش می‌سوخت طنابش را به ته چاه انداخت که طلافروش را نجات دهد که حیوانات پیش‌دستی کردند و اول مار و بعد میمون و آخرسر ببر از چاه بیرون آمدند.

میمون به جهانگرد گفت:

- تو با این کارت ما را مدیون خودت کردی؛ یعنی واقعاً مرام و معرفت را تمام کردی. کار مهمی از ما برایت برنمی‌آید، ولی من در جنگلی نزدیک شهر زندگی می‌کنم اگر گذرت به آن‌جا افتاد سری هم به من بزن.

ببر گفت:

- من هم در بیشه‌ای همان نزدیکی زندگی می‌کنم اگر کمکی خواستی روی ما هم می‌توانی حساب کنی.

مار هم گفت:

- من توی برج و باروی شهر نزدیک خانه حاکم زندگی می‌کنم. اگر یک وقتی به آن اطراف سر زدی باعث افتخار است در قصر خدمتی به شما بکنم.

میمون گفت:

- فقط یک نصیحت به تو می‌کنیم و می‌رویم. آن نصیحت این است که یک لطفی بکن و این آدمیزاد داخل چاه را نجات نده. به هر حال هرچه باشد ما مدتی را با هم گذرانده‌ایم و اخلاقش دستمان آمده است، پس نصیحت ما را بشنو که این آدم مال این حرف‌ها نیست. و رفتند دنبال کارشان. از آن‌جایی که جهانگرد مرد مهربانی بود و خیرش به همه می‌رسید با خود گفت:

- به هر حال این انسان است و من در قبال انسان‌ها وظیفه دارم.

حتماً شما هم شنیده‌اید که پای آدم‌ها قلب دوم آن‌هاست و به همین دلیل راحتی آن تأثیر زیادی در ایجاد حس خوب در افراد دارد. این موضوع را گفتیم تا حواستان باشد که قبل از هر چیزی در خرید کفش به‌راحتی آن فکر کنید؛ یعنی حتی اگر تیپ شما کمی به‌هم می‌خورد، ولی باز هم ترجیح دهید که کف و انگشت‌هایتان در راحتی باشد.

رعایت این اصول شما را باکلاس‌تر نشان می‌دهد

خوش‌تیپم نـــه...!

علیرضا گرانپایه | همین اول کار اعتراف کنیم که سلیقه شخصی در موضوع ست کردن لباس و به‌ظاهر خوش‌تیپ شدن، حرف اول را می‌زند، ولی کنار سلیقه شخصی، اصولی هم برای بهتر شدن هارمونی لباس‌هایتان وجود دارد که می‌توانید آن‌ها را رعایت کنید. اگر لباس‌ها را به دو دسته کلی اسپرت و رسمی تقسیم کنیم، ما می‌خواهیم امروز درباره لباس اسپرت شما حرف بزنیم. یک راهنمای خرید درست‌وحسابی برای خرید لباس تا مجبور نشوید برای داشتن لباس مرتب، چندباره به بازار بروید و دست به جیب شوید. خدا را چه دیدین، شاید به کمک این مطلب توانستید با لباس‌های فعلی‌تان هم خوش‌تیپ‌تر شوید.

۳
نبایدهای رنگی

خیلی از نکاتی را که در مورد ست کردن رنگ لباس برایتان گفتیم خودتان می‌توانید با تجربه به دست بیاورید، ولی خب بگذارید چند مورد کوتاه در مورد نبایدهای ست کردن رنگ لباس هم برایتان بگوییم. رنگ مشکی معمولاً با بیشتر رنگ‌ها ترکیب خوبی می‌سازد، ولی مشکی را با دو رنگ ترکیب نکنید. اولین رنگ سرمه‌ای است. سرمه‌ای و مشکی به هم نزدیک‌اند، اما با هم ترکیب خوبی نمی‌سازند. دومین رنگ قهوه‌ای است. رنگ‌های مشکی و قهوه‌ای را با هم ست نکنید، مگر این‌که خیلی خیلی از ست بودن آن مطمئن باشید. رنگ‌های سفید و کرم نیز با هم ترکیب خوبی نمی‌سازند، ولی رنگ‌های کرم و قهوه‌ای ترکیب خوبی ایجاد می‌کنند. رنگ‌های قهوه‌ای و خاکستری نیز ترکیب خوبی تشکیل نمی‌دهند. این دو از رنگ‌های خنثی هستند و رنگشان به‌گونه‌ای نیست که بتوانند اثر هم را افزایش بدهند. راستی هر رنگی درجات مختلفی دارد. ممکن است تیره یا روشن‌تر باشد. اگر می‌خواهید لباسی را ست کنید، بهتر است در ست خود از درجات مختلف رنگ‌های انتخابی‌تان استفاده کنید؛ مثلاً یکی از لباس‌ها درجه تیره‌تر و دیگری درجه روشن‌تری داشته باشد.

۴
قلب دوم

حتماً شما هم شنیده‌اید که پای آدم‌ها قلب دوم آن‌هاست و به همین دلیل راحتی آن تأثیر زیادی در ایجاد حس خوب در افراد دارد. این موضوع را گفتیم تا حواستان باشد که قبل از هر چیزی در خرید کفش به‌راحتی آن فکر کنید؛ یعنی حتی اگر تیپ شما کمی به‌هم می‌خورد، ولی باز هم ترجیح دهید که کف و انگشت‌هایتان در راحتی باشد. کنار این موضوع، چند نکته دیگر را هم رعایت کنید:

به صورت کلی فرم پاهای آدم‌ها به سه دسته تقسیم می‌شود: دسته نخست کسانی هستند که انگشت شصت پای آن‌ها بزرگ‌تر است و بقیه انگشت‌ها به ترتیب کوچک می‌شوند؛ دسته دوم کسانی هستند که انگشت دوم و سوم پاهایشان بزرگ‌تر است و دسته سوم کسانی هستند که انگشت‌های یکسانی دارند و همه سرانگشتان به یک اندازه هستند. اگر به یک فروشگاه درست‌وحسابی کفش‌فروشی بروید، می‌توانید براساس فرم پای خود کفش مناسبی تهیه کنید، ولی به صورت کلی حواستان باشد کسانی که انگشت‌های بلندتری دارند باید از کفش‌های کشیده استفاده کنند تا امکان حرکت برای انگشتان پا ایجاد شود، بالعکس کسانی که پاهای پهنی دارند بهتر است از کفش‌های گرد استفاده کنند.

برای راحتی به ضخامت کف کفش‌تان دقت کنید، باید چیزی حدود یک سانتی‌متر فاصله بین پای شما و زمین باشد، هم‌چنین بهترین زمان برای خرید کفش، بعدازظهر است، چون صبح و شب سایز پای شما حالت عادی خود را از دست می‌دهد!

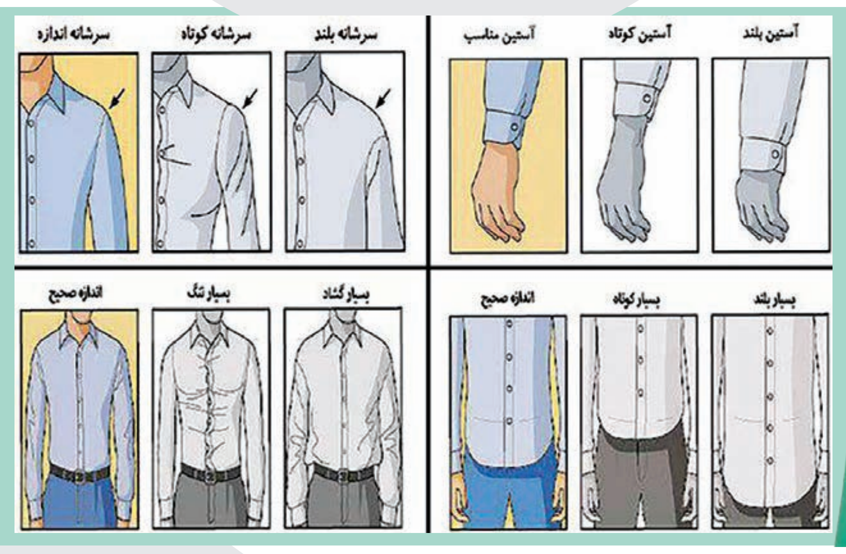

colors

۱
چند دست لباس

بگذارید بعد از گفتن این همه نکته، چند دست لباس به‌ظاهر خوشگل هم برایتان به صورت نمونه بیاوریم.

- با پیراهن سفید می‌شود ترکیب‌های زیادی را ایجاد کرد. بهتر است کنار پیراهن سفید از شلوارهای کتان تیره استفاده کنید. این استایل هم سنگین است و هم مناسب جمع‌های دوستانه. اگر خواستید از شلواری استفاده کنید که رنگش کمی روشن است (مثل سبز) حتماً کفش‌های تیره انتخاب کنید تا هارمونی لباستان حفظ شود.
- اگر قصد ترکیب کردن رنگ‌ها را دارید از پیراهن‌های چهارخانه غافل نشوید. با پیراهن‌های چهارخانه مشکی یا آبی به‌راحتی می‌شود رنگ‌های صامت مثل مشکی و خاکستری را ست کرد. ترکیب پیراهن چهارخانه آبی و شلوار کتان استخوانی ترکیب شاد و جوانی را به وجود می‌آورد؛ البته پیراهن‌های چهارخانه یا شلوغ هستند یا ساده. در مدل شلوغ، تعداد خطوط و زاویه‌بندی بیشتر است و در مدل‌های ساده، تعداد خطوط و چهارخانه‌ها کمتر. پیشنهاد می‌کنیم چهارخانه ساده را برای محیط کار انتخاب کنید و مدل شلوغ را در مسافرت یا گردش با دوستان بپوشید.
- شلوار جین تیره از آن شلوارهایی است که می‌توانید آن را با لباس‌های زیادی ست کنید. ترکیب خاکستری که رنگ مشابه آبی تیره است کنار رنگ قهوه‌ای که رنگ مکمل این دو رنگ محسوب می‌شود، ست زیبایی را به وجود می‌آورد. اگر این ست را با کفش قهوه‌ای رسمی بپوشید، لباس مناسبی برای حضور در جمع‌های رسمی دوستانه است.

رنگ مشکی معمولاً با بیشتر رنگ‌ها ترکیب خوبی می‌سازد، ولی مشکی را با دو رنگ ترکیب نکنید. اولین رنگ سرمه‌ای است. سرمه‌ای و مشکی به هم نزدیک‌اند، اما با هم ترکیب خوبی نمی‌سازند

کلیله و دمنه به زبان خودمانی ۱۹

چاه و حیوانات و جهانگرد

قاسم رفیعا

آباریکلا سازمان ملل اعلام کرد این زرگر به جهت این‌که ما انسان‌ها را بین چهارتا حیوون درنده بدنام کرده و آبرو و حیثیت ما رو برده باید تنبیه شود. خلاصه طی مراسم خاصی زرگر (همون طلافروش دیگه... ای بابا) به عاقبت اعمالش رسید و تنبیه شد

پس طناب را دوباره انداخت و زرگر (طلافروش) را نجات داد. طلافروش خیلی تشکر کرد و گفت:

- تو جان مرا نجات دادی. من در شهر طلافروشی دارم و اگر گذارت بیفتد همه دار و ندارم را به پای تو خواهم ریخت.

خلاصه مدتی گذشت و جهانگرد بر حسب اتفاق گذرش به جنگل‌های اطراف همان شهر افتاد. ناگهان دید یک نفر کلاه از سرش برداشت. دور و برش را نگاه کرد. دید میمون است. میمون که او را ...خته بود پرید توی بغل او و ماچ و بوسه و حال و احوال: ...بر از این طرفا و حالی از ما فقیر بیچاره‌ها و... ...جهانگرد محبت کرد و رفت میوه برایش جمع کرد ...لوی پای جهانگرد. او هرچه توانست خورد و هرچه ... و توشه راهش کرد. جهانگرد خداحافظی کرد و ...ـه. ناگهان دید ببری از دور می‌آید. دست ...وری که نتوانست فرار کند. میخکوب شد ...ـدا می‌زند:

...ببری. رفیق قدیمی. فکر کردی ...و رو فراموش می‌کنم. ...لامتی و بگو و بخند و بعد هم به ...ند دقیقه صبر کن. جهانگرد ...ت و ببر رفت توی بیشه و ...اه دارد می‌رود. پرید دختر ...حساب معرفت کشت! البته ...ماجرا باخبر نشد و طلاهای دختر ...ت و آورد داد به جهانگرد و گفت: ... شما. باز هم این طرف‌ها بیا.

...و رفت تا رسید به شهر. با خودش گفت ...روش بزنم ببینم چه کار می‌کند. طلافروش سرش شلوغ ...مش به جهانگرد افتاد مشتری‌ها را از مغازه بیرون کرد و ...ه جهانگرد کرد که بیا و ببین. جهانگرد با خودش گفت: ...جا هستم طلاهایی را که ببر داده به طلافروش بدهم ...ه پول نزدیک کنم و بشود خرج راهم. طلاها را که به ...ن داد. طلافروش طلاها را شناخت و فهمید این طلاها ...ـاه است که همین دیروز جنازه‌اش را پیدا کرده‌اند.

حالا که این جا هستم طلاهایی را که ببر داده به طلافروش بدهم و به عبارتی به پول نزدیک کنم و بشود خرج راهم. طلاها را که به طلافروش نشان داد. طلافروش طلاها را شناخت و فهمید این طلاها مال دختر پادشاه است که همین دیروز جنازه‌اش را پیدا کرده‌اند

خودش طلاها را به دختر پادشاه فروخته بود و هنوز چک‌هایش پاس نشده بود! با خود گفت:

- این جهانگرد می‌آید و می‌رود. من می‌مانم و پادشاه. بهتر است با اطلاع‌رسانی به پلیس یک عمر خودم را بیمه کنم. پس با بهانه‌ای بچه‌های بالا را خبر کرد و ریختند جهانگرد بدبخت را گرفتند و طلاها را که دیدند مطمئن شدند دختر پادشاه را او کشته. جار زدند و روزنامه کردند که قاتل دختر پادشاه پیدا شد و سوار جیپ توی شهر او را چرخاندند که مردم بهش سنگ بزنند!

خلاصه مار که به‌تازگی پسر پادشاه را نیش زده بود منتظر بود او بمیرد و حلوایی بخورد، چشمش به جهانگرد افتاد. خودش را هر جور بود به او رساند و گفت:

- مگه ما نگفتیم به طلافروش اعتماد نکن. حالا خوب شد که فردا می‌خوان بکشنت؟ اما ناراحت نباش. این علف‌ها رو بگیر. من پسر پادشاه رو نیش زدم. جوشونده این علف‌ها تنها راه درمان پسر پادشاهه (واقعاً چه پادشاه زجرکشیده‌ای بوده. دخترش اون‌جور و پسرش این‌جور!) بگو من راه درمان پسر پادشاه رو بلدم. و بعد به سوراخی خزید و فرار کرد. جهانگرد داد زد:

- من راه درمان پسر پادشاه را بلدم.

یهو سنگ‌ها از دست‌ها افتاد و جهانگرد را بردند به قصر پادشاه و او گیاه را جوشاند و داد به پسر پادشاه و ظرف پنج دقیقه حال او خوب شد. جهانگرد ماجرای نجات آن چهار موجود را برای پادشاه تعریف کرد و پزشک قانونی تأیید کرد که دختر پادشاه را ببر کشته و خلاصه چی شد؟

آباریکلا سازمان ملل اعلام کرد این زرگر به جهت این‌که ما انسان‌ها را بین چهارتا حیوون درنده بدنام کرده و آبرو و حیثیت ما رو برده باید تنبیه شود. خلاصه طی مراسم خاصی زرگر (همون طلافروش دیگه... ای بابا) به عاقبت اعمالش رسید و تنبیه شد.

فقط یک نصیحت به تو می‌کنیم و می‌رویم. آن نصیحت این است که یک لطفی بکن و این آدمیزاد داخل چاه را نجات نده. به هر حال هرچه باشد ما مدتی را با هم گذرانده‌ایم و اخلاقش دستمان آمده است، پس نصیحت ما را بشنو که این آدم مال این حرف‌ها نیست

ضمیمه نوجوان
شماره ۴۷۸
قدس ۴
یکشنبه ۲۶ شهریور ۱۳۹۶
۲۶ ذی‌الحجه ۱۴۳۸/ ۱۷ سپتامبر ۲۰۱۷
www.qudsonline.ir

نذر کبوتران

عمر بی‌معرفت آبی است که از جوی رفته
این زیانی است که جبران نپذیرد هرگز
ما در خانه سلطان سروسامان داریم
هرچه داریم ز آقای خراسان داریم

با دم قدسی معشوق نفس تازه کنم
تا که قدری سخن از یار خوش‌آوازه کنم
صحن گردی حرم وقت سحر می‌خواهم
تا صفای دل شیدازده اندازه کنم

قاسم نعمتی

نماهشت

حیوانات و دوربین (۱)

برترین عکس‌های مسابقه بین‌المللی حیات وحش به نمایش در آمدند.

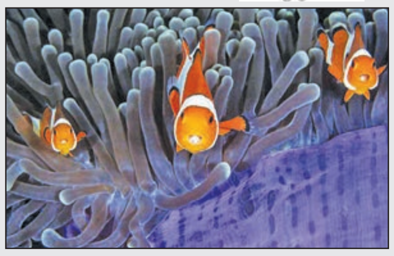

پونه نیکوی

بازم مدرسه (۱)

صد البته که تابستان هرچقدر خودش را به آب و آتش و آفتاب بزند باز هم رفتنی است، مثل همه بهارها و زمستان‌ها و پاییزهایی که باید می‌رفتند و باید بیایند و باید بروند.

همین روزهاست که چشمت را باز کنی و ببینی کله سحر است و باید موبایل و تبلت و باقی قضایا را با مشتاقاتشان دم در خانه تحویل بدهی و بروی دنبال درس و کتاب و مدرسه.

همه هیچ این مقنعه، مانتو و لباس‌های چروک اول صبح شنبه برای خودش مصیبت عظماست. شاید توی دلتان الان بگویید که مصیبت اعظمِ این است که اول مهر بیفتد شنبه. دقیقاً حکایت شنبه چهاردهم فروردین را دارد. از طنازی‌های هفت صبح اول مهر که بگذریم و وارد حیاط مدرسه شویم، می‌بینیم مصادیق مانتوهای امسال و آستین‌ها و مقنعه‌ها و لباس‌های مدرسه نسبت به سال گذشته سیر تکاملی داشته است. این سیر تکاملی که می‌گویم از سیر تکاملی مرسدس بنز هم جذاب‌تر است. هرچقدر بیشتر دقت می‌کنی بیشتر وارد جزییات می‌شوی شاید همان حوالی این بیت (خواهی نشوی رسوا همرنگ جماعت شو) هم عین گنجشک دور سرت بچرخد با خودت و مانتو و لباس مدرسه‌ای که پوشیده‌ای و جهش نوین سیر تکاملی کلنجار می‌روی.

به این فکر می‌کنی که سرآغاز این سیر کجا بود، ناگهان ابری بالای سرت شکل می‌گیرد و گنجشک‌ها به هوای باران می‌نشینند روی شانه‌ات که خیس نشوند و خاله بزرگت را توی ابرک می‌بینی در حال رفتن به مدرسه با مانتویی با ظرفیت هشت نفر و اِپلی به ضخامت بالش روی تختت. بعد خاله کوچکت را می‌بینی در راه مدرسه با همان مانتو، اما با ظرفیت چهار نفر با اپلی نحیف‌تر. بعد دخترخاله‌ات را می‌بینی با مانتویی خفاشی جلو منگوله‌دار با حاشیه ساتن بدون اپل. بعد دخترهای محله یکی‌یکی از جلوی چشمت رژه می‌روند؛ یکی با مانتویی با ظرفیت نصف یک آدم و یکی با... این یکی بماند. دهانت باز مانده و صدای دینگ‌دینگ زنگ کلاس ابرک را فراری می‌دهد. خواستم بگویم این لباس و مانتویی که الان چیزی کمتر از لباس‌های مجلسی ندارد از کجا به کجا رسیده است و خدا آخر و عاقبتش را به‌خیر کند.

هدهد هشتایی‌ها

نامه‌ات همین الان رسید

دوست نوجوان من! هدهد کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان خراسان رضوی با همکاری روزنامه هشت به‌سمت شما پرواز کرده تا شما پرنده‌های شجاع و زیبا را ببرد به کوه قاف. اگر شما هم به هدهد کمک کنید، ما زودتر به آنجا می‌رسیم.

پست الکترونیکی ما: hodhod8@kpf-khr.ir

به نام نقش‌بند صفحه خاک

تابستان کتاب‌خوانی من...!

دوست من سلام.

چند ماهی است که برایت نامه نفرستاده‌ام، امّا کار تا دلت بخواهد برایت آماده کرده‌ام. سال تحصیلی من با شور و شوق و هیجان به اتمام رسید و موفق شدم کارنامه‌ام را با معدل بسیار خوبی دریافت کنم.(معدلم شد ۱۹/۹۳)

دوست من راستی امسال کلی تقدیرنامه گرفتم فکر کنم پانزده‌تایی باشد. از ابتدای روزی که تعطیل شدم برای خودم برنامه‌ی کتاب‌خوانی گذاشته‌ام و تا الآن کتاب‌های: اسوه و الگو، رستم و سهراب، کلام تو عصای جادویی است، پلاک ۲۱، مجموعه اشعار پروین اعتصامی و سهراب سپهری و بر ساحل چشمانش را خواندم و از خواندن یکایک آن‌ها لذت بردم. راستی اگر کتاب‌های شاعرانی مثل اخوان ثالث و نیما یوشیج را داری خوشحال می‌شوم برایم ارسال کنی. برایت بهترین آرزوها را دارم و امیدوارم زیر سایه‌ی ایزد منّان سالم و سرزنده باشی. منتظر دریافت نظراتت در مورد شعرهایی که برایت فرستاده‌ام هستم.

دوست تو مبینا حریفی

این هم شعر من:

در شب کوچک من
دلهره‌ی زیباییست
گوش کن...
وزش ظلمت را می‌شنوی
من گمانم که این غصه و درد زیبایی‌ست
گرچه گاهی
می کشم غم به دوش و
می خورم زهر به نوش و
می کنم کار به کوش و
اما....
باز از بالای بالا
میان بام دنیا
من به این خوشبختی می‌نگرم

خبرهای خوبی برایت دارم

به نام خدایی که خیلی گل است
دوست خوبم مبینا جان
سلام

از دریافت نامه‌ات خیلی خوشحال شدم. آن‌هم بعد از چند ماه که هیچ نامه‌ای نفرستاده بودی.

و خوشحالی‌ام وقتی بیشتر شد که فهمیدم کارهای زیادی انجام داده‌ای، کتاب‌های زیادی خوانده‌ای و در روزهای گرم و بلند تابستان از نوشتن غافل نبوده‌ای.

برنامه‌ی کتاب‌خوانی که برای خودت تنظیم کرده‌ای مرا بسیار شگفت‌زده کرد و مطمئن هستم که تأثیر آن را در کارها و آثار بعدی تو خواهیم دید.

دو تا خبر خوش هم برایت دارم. آفرینش‌های ادبی کانون در حال تجهیز و راه‌اندازی قفسه ادبی شامل کتاب‌های داستان و شعر برای اعضای انجمن ادبی آفتاب است. امیدوارم تو هم عضو این انجمن شده باشی و بتوانی کتاب‌های این مجموعه را به امانت بگیری.

خبر خوب دیگر اینکه کتاب «چهارشنبه‌های بستنی» سروده «انسیه موسویان» شاعر خوب نوجوان را هم برایت ارسال کرده‌ام تا خوب مطالعه کنی و اگر دوست داشتی در جلسه‌ی نقد و بررسی این کتاب که با حضور شاعر مجموعه و اعضای کارگاه‌های ادبی در روزهای آخر شهریورماه در مشهد برگزار می‌شود شرکت کنی. زمان و مکان برنامه را هم به تو اطلاع می‌دهم. و اما نوبتی هم که باشد دیگر نوبت بحث و گفت‌وگو در مورد آثار ارسالی توست. دو شعر برایم فرستاده بودی که در این نامه شعر اولت را باهم مرور و بررسی می‌کنیم. شعر دوم هم باشد برای وقتی‌که به انجمن ادبی آفتاب آمدی. آنجا با حضور دوستانت و کارشناس مهمان برنامه که از شاعران خوب کشور هم هست مفصّل در موردش صحبت می‌کنیم. نکته‌ی اول اینکه با توجه به ساختار شعرت فکر می‌کنم قصد داشته‌ای در قالب «نیمایی» شعر بگویی. قالبی که وزن دارد اما مثل غزل و مثنوی و قالب‌های دیگر شعر کلاسیک نیست که مصراع‌های برابر ازنظر وزنی داشته باشیم. یعنی طول بندها کوتاه و بلند شده است مثل جایی که سروده‌ای:

گوش کن
وزش ظلمت را می‌شنوی

اما مبینا جان باید این را بدانی که وقتی در قالب نیمایی شعر می‌گوییم موظف هستیم همین قانون وزنی که برایت گفتم را رعایت کنیم. در بخش‌هایی تو از وزن خارج‌شده‌ای و آهنگ شعر را گم کرده‌ای. مثلا وقتی گفته‌ای: « من گمانم که این غصه و درد زیبایی است» که به‌راحتی اگر می‌گفتی « من گمانم که غم زیبایی است» منظورت را هم رسانده بودی و وزن را هم رعایت کرده بودی. اگر شعرت را چند بار بخوانی حتماً متوجه خواهی شد که در بخش‌های زیادی از شعرت از وزن خارج‌شده‌ای. تفاوت دیگر شعر نیمایی یا نو با قالب‌های قدیم این است که لازم نیست در پایان هر بند (که در شعر کلاسیک به آن مصراع و بیت می‌گوییم) قافیه بیاوری و آزاد هستی که هر جا دلت خواست از قافیه برای زیباتر شدن شعر و تأکید استفاده کنی مثل قافیه‌های دوش، نوش و گوش که در شعرت آورده‌ای. مبینا جان. با استعداد سرودنی که در تو سراغ دارم دلم می‌خواهد تصاویر شعرت خیال‌انگیزتر باشد. ترکیب دلهره‌ی زیبا را دوست داشتم. چون تو با آوردن صفت زیبا تصویر خاصی از دلهره را نشان داده‌ای که دل‌چسب است (دلهره می‌تواند مثبت هم باشد مثل دلهره‌ی دیدن یک دوست قدیمی بعد از گذشت سال‌ها و یا دلهره و اشتیاق دریافت یک نامه، یک پیام و ....). اما ترکیب «وزش ظلمت» به دلم ننشست. معمولاً کلمه «وزش» بار معنایی مثبت دارد و آدم را به یاد نسیم و بهار و .... می‌اندازد. برای ظلمت با همه سیاهی و بدی‌اش به نظرم باید به‌جای وزش چیز دیگری بیاوری.

مبینا جان. امیدوارم خسته‌ات نکرده باشم. منتظر نامه‌های بعدی تو و شعرها و متن‌های ادبی زیبایت هستم.

دوست تو در مرکز آفرینش‌های ادبی کانون

من سنگ کاغذ قیچی هم که بازی می‌کردم پوچ درمی‌اومد.

#آقای همساده

بابا این خرس تنبل اسمش بد در رفته، وگرنه می‌گن در ساعت چهار متر حرکت می‌کنه. من الان سه‌روزه بی‌تحرک رو تختم هستم.

#تنبل خان

به خود خرگوش یه مزرعه هویج بدی بگی در عوضش یکم خورشت هویج بخور، نمی‌خوره! بعد بعضیا غذای مورد علاقه‌شون خورشت هویجه.

#خپل خان

من اگه دانشمند بودم روی این‌که چرا روز تعطیل زودتر از روز معمولی بیدار می‌شیم تحقیق می‌کردم، واقعاً چرا؟

#تنبل خان

من نمی‌دونم وقتی می‌شه لباس‌ها رو همین‌جوری ریخت تو کمد بعدم هرکدوم رو خواستی راحت پیدا کنی، چرا دیگه مرتب‌شون کنیم؟

#تنبل خان

همین که خودت باشی کافیه، لازم نیست بی‌نقص باشی.

#استاد بزرگ

جا داره یک مدرک پزشکی هم بدیم به پشه‌ها به خاطر شناخت بسیار کامل آناتومی بدن انسان و نیش زدن جاهایی که خاراندن اون‌جاها تقریباً غیرممکنه.

#خوشمزه خان

مامانم یه وعده ماکارونی درست می‌کنه تا پنج روز می‌خوریم.
روز سوم پنیرپیتزا بهش اضافه می‌کنه، روز چهارم سالاد ماکارونی می‌شه، روز پنجم می‌شه ساندویچ.

#تنبل خان